

## قفل بانک‌ها و دروازه‌های واردات

دکتر حسینی، رییس هیات مدیره انجمن متخصصان صنایع غذایی: قفل کردن بانک‌ها در صنعت کشور و به تبع آن صنایع غذایی بحران ایجاد کرده است. **خیال‌آبادی:** دکترجون، بیخود خونتو کثیف نکن! عوضش دروازه‌های واردات بازتر از همیشه است.



## کار سخت نظارت بر نانواها

به گفته سابقی، رییس دانشکده غلات قرار است برای هر ۲۰ واحد نانواها یک تکنسین ناظر بر روند تامین مواد اولیه، تولید، بهداشت کارگاه‌ها و نیز آموزش برای جلوگیری از ضایعات نان نظارت کند. **تکنسین غلات:** آقای نانوا! شما مطابق فرمول باید هر ۲۵ کیلوگرم آرد را با ۱۰۰ لیتر آب استریل مخلوط کنید. دمای تنورتان را تا ۲۸۰ درجه فارنهایت برسانید و سپس با سرعت ۲۰ دور در دقیقه خمیر را ورز دهید و بعد خمیر را با زاویه ۴۵ درجه به روی تخته نانواها بگذارید... **نانوا:** آقای مهندس! مو که نمی‌دونم فارنهایت مارنهایت چیه؟! پس برو کنار بی‌زحمت باد بپاد، هوا گرمه. آهای پسر! اون جوش شیرینو خالی کن تو خمیر!



## خودکفایی دوباره

مهندس اسکندری: با توجه به بازنگری‌های مناسب امسال، با ۱۴/۵ میلیون تن گندم خودکفا می‌شویم. **خیال‌آبادی:** آقای وزیر! این سال آخری وزارت رو بالاغیرتا کوتاه بیا. یکی دو میلیون تنی تخفیف می‌دادی بد نبودها.



## خودکفایی در بذر به جای دانه روغنی!

مدیر کل پنبه و دانه‌های روغنی وزارت جهاد کشاورزی: ایران در تولید بذر دانه‌های روغنی به خودکفایی رسید. **خیال‌آبادی:** در خود دانه‌های روغنی و روغن خام چطور؟ ای آقا! تا این گوساله گاو شود، دل صاحبش آب شود!



## گندم‌های دزدی در سرزمین سردبیتی

کشتی حامل ۳۶ هزار تن گندم وارداتی به ایران در خلیج عدن مورد حمله دزدان دریایی سومالی قرار گرفت و ربوده شد. کمیته واکنش اضطراری کشتیرانی ایران از تماس با این کشتی و سلامتی کلیه خدمه این کشتی خبر داد.

**خوش خیال:** البته باقی خبر را هم من با ذکاوت سرشار خودم کشف کردم.

به طوری که با استفاده از دوستانی که دارم تلفن کشتی رو گیر آوردم و با خود اونا تماس گرفتم و وقتی تلفن زنگ زد، کاپیتان یک‌چشم و ریش بلند کشتی که احیانا یک پای چوبی هم داره سکان کشتی رو به مدلاک (همان طوطی بدبخت کارتون کونا و سردبیتی) می‌سپاره و خودش با صدای نخراشیده به پشت تلفن میاد و میگه: چی می‌خواین؟ و اینم باقی قضایا:

**خوش خیال:** سلام آقای کاپیتان دزدای دریایی! ان‌شاءالله کار و کاسبی که خوبه و با این ۳۶ هزار تن هم که حسابی بار خودتونو بستین. بی‌زحمت این خدمه بخت‌برگشته رو آگه باهاشون کاری ندارین بفرستین بیان.

**کاپیتان:** باشه اما فعلا در حال جابه‌جا کردن بار هستن. وقت ندارن. امری بود؟

**خوش خیال:** یک سوال دیگه! لطف می‌کنید بفرمایید با این گندم چه می‌کنید؟

کاپیتان: سهم بچه‌ها رو می‌دیم، بعدشم می‌ریم تگراس و تا سال بعد می‌خوریم و می‌خواهیم.

**خوش خیال:** یعنی از کار و بار خبری نیست؟

**کاپیتان:** نه داش (البته به زبان سومالی)! سال دیگه همین موقع میام همین جا و کمین می‌گیریم تا به محموله نون و آردار دیگه از ایران بیاد و ما هاپولیش کنیم.

**خوش خیال:** حالا چرا ایران؟

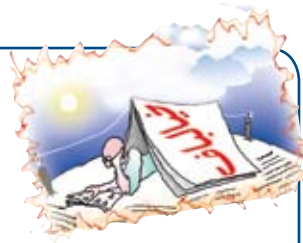
**کاپیتان:** آخه میگن حالا حالاها از خودکفایی خبری نیست و بساط واردات گندم به ایران ردیفه! ردیفه!

## گوجه‌پرانی منتقدان در فصل زمستان!

بعضی از این رسانه‌های منتقد هم عجب سوتی‌های تویی می‌دهند! واقعا دیگر از کمبود گوجه فرنگی در فصل زمستان مشکل حادثر در بخش کشاورزی وجود نداشت که مدام آن را در بوق و کرنا می‌کنند؟ تازه بنده خدا محمدمهدی بحرینی، مدیر کل دفتر سبزی و صیفی جهاد کشاورزی هم که گویا هوس کرده پایش در یادداشت‌های خیال‌آبادی باز شود، مصاحبه جالبی با ایرنا در باب «چگونه زیستن با کمبود گوجه فرنگی خارج از فصل!» کرده که در آن از آغاز برداشت گوجه فرنگی خارج از فصل در شهرستان جم استان بوشهر خبر داده و گفته: «علاقه‌مندان گوجه فرنگی دل‌نگران نباشند زیرا می‌توانند به زودی به تزئین سالاد خود با گوجه فرنگی خارج از فصل همچنان ادامه دهند!»

دکتر خلقانی، معاون جدید اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارتخانه هم در پاسخی که به آقای حسن روحانی در خصوص مشکلات بخش کشاورزی داد، منتقدان واردات میوه به دولت را همان منتقدان واردات گوجه فرنگی خارج از فصل نامید. [که گویا فقط هدفشان پوست خربزه زیر پای دولت انداختن است].

**خوش خیال:** آقایان منتقد! دیگه از من و خاندان پرطمطراق خیال‌میززای بزرگ که هر نیش قلمش سلسله قاجارو ده متر از جا می‌پروند که منتقدتر نیستید. برادران من! انتقاد هم جا داره و هم دلیل محکم می‌خواد و هم هدف مشخص. خدا بیامرز جد بزرگوام می‌گفت که اگر فقط یک نقد بی‌اساس بنویسی، صدها نقد و تحلیل درست هم پایمال می‌شه. حال با این همه مشکل و گیر و گرفت، حالا چهار روز گوجه فرنگی نخوریم نفعه که نمی‌شیم.



### حرف‌های بی‌ربط...

«خیالیاف» با اون همه درایت، زیرکی، تجربه، علم و کمالات هنوزم که هنوزه، این حرکت «الف- بنادکی» رو نمی‌تونه هضم کنه که چرا وقتی واسه یه فقط یه شماره‌ی مجله، به هر دلیلی توفیق حضورش نصیب مدیر مسوول، سردبیر و عوامل و اذنا بشون نمی‌شه، تاکتیکی، پلیتیکی و ترفندی سر هم نمی‌کنه تا ظاهر قضیه‌رو ماست‌مالی کرده و به خواننده‌ها و به مردم امیدواری کاذب بده که درسته «خیالیاف کبیر» غیبت موجه داره، اما آثارش همیشه توی این ستون موندگار! با یه شاخه گلی، اگر نشد با یه دسته گلی، بازم اگه نشد حداقل با یه تاج گل بزرگی! جاش رو خالی کنه، تکریمش کنه...! خلاصه نذاره خوانندگان محترم جای خالی‌ش رو حس کنن!

در شرایطی که دزدای دریایی، همین جا، چسبیده به بیخ گوشمون، کشتی حامل ۳۶۰۰ تن گندم وارداتی مون‌رو به سرقت برده و دارن دامنه‌ی فعالیت‌هاشون رو توسعه میدن، خیلی باید مواظب نخه‌هایی مت «خیالیاف» باشین! اینا سرمایه‌های این آب و خاکند. فکر نکنین با اومدن چند قطره بارون ناپایدار پاییزی، میشه خشکسالی‌رو فراموش کرد و دوباره یاد صادرات افتاد...! تصور نکنین با آزاد کردن شانس کشتی اولی از چنگال دزدای دریایی سومالیایی، کشتی‌های بعدی در امان هستن. این خیال خام و افکار مالیخولیایی (بر وزن دزدان سومالیایی) رو از سرتون بیرون کنین که با چند تا بارندگی زودرس و خنک شدن هوا، داستان استیضاح را میشه پشت گوش انداخت. این یه داستان دنباله‌دار و بلکه یه سریاله تا یه رمان کوتاه احساسی! اگر نبود احساس رقیق و لطیف زلیخا، یوزارسیف که به زندان نمی‌افتاد. حالا که افتاده، دنده‌اش نرم. بره تاوانش رو پس بده تا اونجا که بشه با یه برخورد غیراحساسی، منطقی و کارشناسی، قیمت خرید تضمینی سوپا، پنبه و سایر محصولات رو قبل از بارندگی‌های پاییزه و به موقع به استان‌ها ابلاغ کرد و کشاورزان رو از خطر فساد محصولشون حفظ نمود...! چی می‌گفتیم...؟!

هان! قدر نخیکن بخش‌رو بدونیم، اونا سرمایه‌های «بخش» هستن. با اومدن و رفتن «الف- بنادکی» و خوش خیال و رفقا شون، «بخش» که جابه‌جا نمی‌شه. ممکنه ارتقا پیدا کنه و «شهرستان» و «شهر» و «استان» بشه...! اما تنها این خیالیافه که پایدار میمونه، قدرشو بدونیم...

### بیل کلینتون هم یاد خودکفایی افتاد!

بیل کلینتون در مقر فائو گفت: تنها خودکفایی در کشاورزی است که در درازمدت می‌تواند موجب کاهش فقر شده و از عواقب بحران‌های مالی پیشگیری نماید.

**خیال‌آبادی:** به‌به! حرف‌های جدید جدید می‌شنوم. چطور آن زمانی که بر مسند ریاست تکیه زده بودید از این حرف‌های قشنگ نمی‌زدید و مدام دنبال کشورگشایی بودید. حالا یاد خودکفایی برای کشورها افتادید؟!



### گوشت خارجی برای تولید سوسیس کالباس خانگی!

رییس کمیسیون آب و منابع طبیعی مجلس: میزان نیاز کشور به گوشت قرمز ۹۰۰ هزار تن است که ۸۵۰ هزار تن از محل تولیدات داخلی تامین می‌شود و ۵۰ هزار تن برای تامین گوشت صنعتی مورد نیاز صنایع فرآورده‌های لبنی وارد کشور می‌شود.

**خیال‌آبادی:** ببخشید، پس این همه گوشت خارجی و یخ‌زده که بخصوص در مواقع کمبود گوشت وارد بازار می‌شه واسه اینه که مردم توی خونه‌هاشون با این گوشت‌ها سوسیس و کالباس درست کنن!!!



### برند سبز و برند قهوه‌ای برای سبزی و صیفی

محصولات سبزی و صیفی تحت عنوان برند سبز با درصد پایینی از مواد مضر ناشی از آلودگی آب، کود شیمیایی و سموم کشاورزی روانه بازار می‌شود.

**خیال‌آبادی:** ای کاش می‌شد سبزی و صیفی هم که با آب‌های آلوده و فاضلاب آبیاری می‌شوند، با یک برند خاص (مثلا برند قهوه‌ای) مشخص می‌شد تا خلق‌الله می‌شناختند و مصرف نمی‌کردند.



### ویراستاری سخنان رییس محترم کمیسیون کشاورزی مجلس

دکتر عباس رجایی، رییس کمیسیون کشاورزی گفت‌وگویی کوتاه با خبرگزاری موج انجام داده است.

**خیال‌آبادی:** هر کاری کردم نتونستم از دو سه تا نکته‌ی این گفت‌وگو بگذرم و به اصطلاح صحبت‌های ایشان را ویراستاری نکنم؛ البته با اجازه ویراستار محترمه مجله؛ اولاً آقای رجایی فرمودند: به نظر می‌رسه بین دو وزارتخانه جهاد کشاورزی و بازرگانی، هماهنگی لازم برای عملیاتی شدن برنامه واردات وجود ندارد. آقای رجایی عزیز! به نظر می‌رسه چه عزیز من؟! اظهار من الشمس است!

ثانیاً ایشان فرموده‌اند، ورود میوه‌های خارجی با قیمت‌های بیشتر باعث می‌شود کشاورزان به سمت قیمت‌های بالاتر جهت‌گیری کنند. لطفاً اصلاح بفرمایید: میوه‌های خارجی با قیمت‌های بیشتر، باعث می‌شود دلالان به سمت قیمت‌های بالاتر جهت‌گیری کنند و گرنه کشاورزان همیشه هشتشان گرو نهشان است.

### به کجا چنین شتابان...؟! در حاشیه‌ی خداحافظی دیرهنگام معاون برنامه‌ریزی...

در جواب آمد ندایی:  
که دانشگاه کار دارم!

از برای کارهایت  
من کلی هم حرف دارم!

چه کند وزیر مظلوم  
به غیر از ناله و آهی

گشته این معاونش هم  
یک رفیق نیمه راهی!

مرحبا به آن خلقانی  
که بدون «گل چیدنی»!

«زیرزبونی» هم نخواسته  
«بله» را بگفت به آنی!

بسته سفت کمر همت  
که نماید «آبادانی»!

اگرش فرصت نباشد  
جعفر خلقانی را هم

هیچ نباشد جای تردید  
شده او زخمی را مرهم!!

«به کجا چنین شتابان...؟!»  
وزیر به معاونش گفت

به معاون دلبری!  
که نماد تا به پایان

غیبتش در کمیسیون  
جلسات دولتمان!

زده چون خسارتی چند  
شده «بخش» هم‌پیشانش

ز تعامل و ز لابی  
بهره‌ای نداشته بودش

مانده بود زمین، کارها  
طی اون سه سال کارش!

آن زمانی که بگفتش  
آن وزیر چاره‌اندیش

«که تو در درون چه کردی»!  
که برون خانه روی؟